

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۳۷

آیه ۹۱

آیه و ترجمه

و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا و هدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها و تخفون كثيرا و علمتم ما لم تعلموا انتم و لا اباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

ترجمه :

۹۱ - آنها خدا را چنانکه باید نشناختند که گفتند هیچ چیز بر هیچ انسانی نفرستاده بگو چه کسی کتابی را که موسی آورد نازل گردانید کتابی که نور و هدایت برای مردم بود (اما شما) آنرا به صورت پراکنده قرار می‌دهید قسمتی را آشکار و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدران‌تان از آن با خبر نبودید بگو: خدا... و سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت آمیزشان رها کن تا بازی کنند!

شان نزول:

خدانشناسان

از ابن عباس چنین نقل شده که جمعی از یهودیان گفتند: ای محمد! آیاس راستی خداوند کتابی بر تو فرستاده است؟! پیامبر گفت: آری، آنها گفتند: به خدا سوگند که خداوند هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاده است! در شان نزول این آیه، روایات دیگری نیز نقل شده و چنانکه بعدا خواهیم دانست آنچه در بالا آوردیم از همه بهتر و مناسبتر است.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۳۸

تفسیر:

در اینکه این آیه درباره یهود است یا مشرکان در میان مفسران گفتگواست، ولی از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه گفتگوئی با یهود نداشته و آنچه بوده در مدینه بوده است و از طرفی سوره انعام که این آیه جزء آن است مکی است، بعضی معتقدند که این آیه استثنائا در مدینه نازل شده

است و به دستور پیامبر به تناسب خاصی در وسط این سوره مکی قرار گرفته و این موضوع در قرآن نمونه‌های فراوانی دارد.

برای روشن شدن حقیقت مطلب، نخست باید تفسیر اجمالی آیه را بدانیم و بعد در باره اینکه آیه از چه اشخاصی سخن می‌گوید و هدفش چیست بحث کنیم

نخست می‌گوید آنها خدا را آنچنانکه شایسته است نشاخشند زیرا گفتند: خدا هیچ کتابی بر هیچ انسانی نازل نکرده است! (وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء).

خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که در جواب آنها بگو چه کسی کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود نازل گردانید؟ (قل من انزل الكتاب الذی جاء به موسی نورا و هدی للناس).

همان کتابی که آن را به صفحات پراکنده‌ای تبدیل کرده‌اید، بعضی را که به سود شما است آشکار می‌کنید و بسیاری را که به زیان خود می‌دانید پنهان می‌دارید (تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا).

و در این کتاب آسمانی مطالبی به شما تعلیم داده شد که نه شما و نه پدرانتان از آن با خبر نبودید و بدون تعلیم الهی نمی‌توانستید با خبر شوید (و علمتم ما لم تعلموا انتم و لا آبائکم)

در پایان آیه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد که تنها خدا را یاد کند و آنها

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۳۹

را در اباطیل و لجاجت و بازیگری خود رها سازد زیرا آنها جمعیتی هستند که کتاب الهی و آیات او را به بازی گرفته‌اند. (قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون)

اکنون اگر این آیه در مدینه نازل شده باشد، و روی سخن به یهود باشد معنی آن چنین است: که جمعی از یهود منکر نزول کتاب آسمانی بر تمام پیامبران بودند آیا چنین چیزی ممکن است؟ که یهود و پیروان تورات، نزول کتاب آسمانی را انکار کنند؟ اگر تعجب نکنید آری، و باتوجه به یک مطلب نکته این موضوع روشن می‌شود، زیرا چنانکه کتب عهد جدید (اناجیل) و عهد قدیم (تورات و کتابهای وابسته به آن) را به دقت بررسی کنیم خواهیم دید که این کتابها هیچکدام لحن آسمانی ندارد، یعنی جنبه خطاب خداوند به بشر در آنها نیست، بلکه به خوبی از آنها استفاده می‌شود که اینها از زبان شاگردان و غیر

شاگردان از پیروان آئین موسی (علیه السلام) و مسیح (علیه السلام) به شکل تاریخ و شرح زندگی نوشته شده است و ظاهراً یهود و مسیحیان کنونی نیز این مطلب را انکار نمی کنند زیرا داستان مرگ موسی و عیسی و حوادث زیادی مربوط به زمانهای بعد از آن در این کتابها آمده است، نه به عنوان پیش بینی بلکه به عنوان خبری از گذشته، آیا چنین کتابی امکان دارد بر موسی و عیسی نازل شده باشد.

منتها مسیحیان و یهودیان عقیده دارند که این کتابها چون به دست انسانهایی نوشته شده که از وحی آسمانی با خبر بودند کتاب مقدس وقابل اعتماد و خالی از اشتباه محسوب میشود.

با توجه به این نکته روشن می شود که چرا آنها از لحن قرآن که به شکل خطاب خدا به پیامبر و بندگان است تعجب میکردند، و در شان نزول فوق نیز خواندیم که آنها با تعجب از آن حضرت پرسیدند آیا خداوند کتاب آسمانی نازل کرده؟ و سپس این موضوع را بطور کلی انکار کردند که هیچ کتابی از ناحیه خدا بر هیچ انسانی حتی موسی نازل نشده است.

---

#### تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۳۴۰

ولی خداوند در جواب آنها به این موضوع اشاره می کند که خود شما عقیده دارید الواح و مطالبی بر موسی نازل گردید، یعنی اگر آنچه در دست شما است کتاب آسمانی نیست، لا اقل قبول دارید که چنین چیزی از طرف خدا نازل شده است که قسمتی از آن را آشکار و قسمت زیادی را پنهان میدارید، و به این ترتیب اشکالی باقی نمی ماند که چگونه ممکن است یهود منکر نزول کتاب آسمانی شده باشند (دقت کنید).

و اگر آیه همانند سایر آیات این سوره درباره مشرکان باشد معنی آن چنین می شود که آنها منکر هر گونه کتاب آسمانی شدند تا دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را انکار کنند، ولی خداوند برای آنها استدلال می کند که چگونه ممکن است چنین ادعائی داشته باشند باینکه خداوند تورات را بر موسی نازل کرد؟ و مشرکان اگر چه آئین یهود را قبول نداشتند ولی انبیاء پیشین و ابراهیم و حتی موسی را احتمالاً به عنوان پیامبری برای منطقه و عصر خاصی قبول داشتند، و خود را پیرو آئین ابراهیم میدانستند، و لذا هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ظهور کرد و برای جستجوی علائم او به نزد اهل کتاب رفتند و از آنها خواستند که در کتب خود

بررسی کنند، آیا خبر از چنین پیامبری می‌دهد و اگر آنها این کتب را به هیچوجه قبول نداشتند چگونه ممکن بود چنین درخواستی کنند؟ لذا بعد از سؤال از یهود آنچه به سود آنها بود اظهار و آنچه به زیانشان بود مخفی می‌کردند (مانند نشانه‌های پیامبر که در کتب پیشین آمده بود) و به این ترتیب آیه قابل تطبیق بر گفتار مشرکان مکه نیز می‌تواند باشد.

ولی تفسیر اول با لحن آیه و شان نزول، و ضمائی که در آیه است ظاهراً سازگارتر می‌باشد.

### نکته‌ها

در اینجا به چند موضوع باید توجه کرد:

۱ - قراطیس جمع قرطاس است و اصل آن بطوری که بعضی گفته‌اند از

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۱

یونانی گرفته شده و معنی آن چنانکه راغب در کتاب مفردات می‌گوید هر چیزی است که روی آن می‌نویسند بنابراین کاغذ معمولی و پوست حیوانات و درختان و مانند آن که در قدیم الایام نامه و کتابها را روی آن می‌نوشتند، نیز شامل میشود، و منحصر به کاغذ معمولی نیست.

۲ - ممکن است سؤال شود که چرا در آیه مذمت از یهود شده که آنها وحی آسمانی را روی کاغذها و مانند آن نوشته بودند اینکه مذمتی ندارد.

در پاسخ می‌گوئیم: مذمت از این نظر نیست، بلکه از این نظر است که آنها مطالب تورات را روی کاغذهای پراکنده و مانند آن نوشته بودند که آنچه را به سود آنها بود به مردم دیگر نشان دهند و آنچه به زیانشان بود مخفی سازند.

۳ - جمله و ما قدر و الله حق قدره (خدا را آنچنان که شایسته است شناختند و اوصاف او را درک نکردند) در حقیقت اشاره به این نکته است که هر کس خدا را درست بشناسد نمی‌تواند انکار کند که از طرف او رهبران و راهنمایان همراه با کتابهای آسمانی برای بشر فرستاده شده است زیرا حکمت خدا ایجاب می‌کند که اولاً انسان را برای هدفی که آفریده شده است (هدف تکامل) در مسیر پر پیچ و خمی که در پیش دارد کمک کند، و گرنه نقض غرض کرده است، و این هدف بدون فرستادن وحی و کتاب آسمانی و تعلیمات صحیح و خالی از هر گونه خطا و اشتباه ممکن نیست.

ثانیاً چگونه ممکن است مقام رحمت عامه و خاصه خداوند اجازه دهد که انسان را در مسیر سعادت که با هزاران مانع روبرو است و پرتگاه‌های فراوان بر سر راه

او کمین کرده اند تنها بگذارد و رهبرانی با تعلیمات جامع برای دستگیری و راهنمایی آنها نفرستد. (بنابراین هم حکمت او و هم رحمتش فرستادن کتب آسمانی را ایجاب میکند).

شک نیست که معرفت کنه ذات خدا و کنه صفات او برای هیچکس ممکن

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۲

نیست و آیه فوق هیچگونه نظر به این مطلب ندارد بلکه می خواهد بگوید آن مقدار معرفتی از خداوند و صفات او که برای انسان امکانپذیر است اگر حاصل شود تردیدی باقی نخواهد ماند که چنین پروردگاری بندگان خود را بدون سرپرست و کتاب آسمانی باقی نخواهد گذاشت.

آیه ۹۲

آیه و ترجمه

و هذا کتب انزلناه مبارک مصدق الذی بین یدیه و لتنذر اءم القرى و من حولها و الذین يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم على صلاتهم يحافظون  
ترجمه :

۹۲ - و این کتابی است که آنرا نازل کردیم، کتابی است پر برکت که آنچه را پیش از آن آمده تصدیق میکند، (آنرا فرستادیم تا مردم را به پاداشهای الهی بشارت دهی) و برای اینکه (مردم) ام القری (مکه) و آنها که گرد آن هستند بترسانی، آنها که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند و مراقب نمازهای خویش می باشند.

تفسیر:

در تعقیب بحثی که در باره کتاب آسمانی یهود در آیه گذشته عنوان شد در اینجا به قرآن که یک کتاب دیگر آسمانی است اشاره میشود، و در حقیقت ذکر تورات مقدمهای است برای ذکر قرآن تا تعجب و وحشتی از نزول یک کتاب آسمانی، بر یک بشر، نکنند.

نخست می گوید: این کتابی است که ما آن را نازل کردیم (و هذا کتاب انزلناه). کتابی است بسیار پر برکت، زیرا سرچشمه انواع خیرات و نیکیها و پیروزیها

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۳

است (مبارک).

به علاوه کتبی را که پیش از آن نازل شده اند همگی تصدیق می کند (مصدق

الذی بین یدیه).

منظور از اینکه قرآن کتب مقدسه پیشین را تصدیق می کند آن است که تمام نشانه‌هایی که در آنها آمده است بر آن تطبیق می نماید.

و به این ترتیب دو نشانه بر حقانیت قرآن در دو جمله گذشته بیان گردیده یکی وجود نشانه‌هایی که در کتب پیشین از آن خبر داده شده، و دیگر محتوای خود قرآن که هر گونه خیر و برکت و وسیله سعادت در آن آمده است، بنابراین هم از نظر محتوا و هم از نظر اسناد و مدارک تاریخی نشانه‌های حقانیت در آن آشکار است. سپس هدف نزول قرآن را چنین توضیح می دهد که آن را فرستادیم تا ام القری (مکه) و تمام آنها که در گرد آن هستند، انذار کنی و به مسئولیتها و وظائفشان آگاه سازی (و لتندرام القری و من حولها)

و از آنجا که انذار یعنی توجه دادن به مسئولیتها و ترساندن از ترک وظائف مهمترین برنامه قرآن مخصوصا در برابر اشخاص سرکش و طغیانگراست تنها به این قسمت اشاره شده است.

و در پایان آیه می گوید: کسانی که به روز رستاخیز و حساب و پاداش اعمال ایمان دارند به این کتاب ایمان خواهند آورد و مراقب نمازهای خود خواهند بود (و الذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به و هم علی صلواتهم یحافظون)

**نکته‌ها**

در اینجا به چند مطلب باید توجه داشت:

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۴

## ۱ - اسلام یک آئین جهانی است

آیات مختلف قرآن به خوبی گواهی می دهد که اسلام یک آئین جهانی است، تعبیراتی مانند لاندركم به و من بلغ (هدف من این است که همه شما و کسانی را که سخنم به آنها میرسد با قرآن انذار کنم) (انعام - ۱۹) وان هو الا ذکری للعالمین (این قرآن وسیله تذکر جهانیان است) (انعام - ۹۰) و قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا (بگو ای مردم! من رسول خدا به سوی همه شما هستم) (اعراف ۱۵۸) و امثال آن که در قرآن فراوان است گواه این حقیقت است و جالب اینکه بسیاری از این آیات در مکه یعنی در آن موقع که هنوز اسلام از محیط این شهر تجاوز نکرده بود نازل گردید.

ولی با توجه به آیه مورد بحث این سؤال پیش می آید که چگونه هدف بعثت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انذار و هدایت مردم مکه و کسانی که پیرامون آن هستند ذکر شده؟ آیا این با جهانی بودن اسلام منافات ندارد؟ اتفاقاً این ایراد از بعضی از یهود و بعضی دیگر از پیروان مذاهب دیگر نقل شده است و به گمان خود حربه محکمی در برابر جهانی بودن اسلام یافته‌اند که آنرا در منطقه خاصی، محدود می‌سازد (یعنی مکه و اطراف مکه). پاسخ:

این ایراد با توجه به دو نکته کاملاً روشن میشود، و نه تنها این آیه منافات با جهانی بودن اسلام ندارد بلکه می‌توان گفت یکی از دلائل جهانی بودن آن است:

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۵

۱ - قریه در زبان قرآن، به معنی هر گونه آبادی است اعم از اینکه شهر بزرگ باشد و یا کوچک و یا روستا، مثلاً در سوره یوسف از زبان برادران و در مقابل پدر چنین می‌خوانیم: و اسئل القرية التي كنا فيها: از قریه‌های که در آن بودیم سؤال کن و میدانیم که این سخن را پس از بازگشت از پایتخت مصر و ماجرای توقیف برادر آنها بنیامین از طرف دستگاه عزیزمصر بوده است، و همچنین می‌خوانیم: و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض: اگر مردمی که در آبادیهای روی زمین زندگی میکنند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات از آسمان و زمین بر آنها خواهیم گشود بدیهی است منظور در اینجا خصوص روستاها نیست بلکه همه نقاط مسکونی جهان را شامل می‌شود.

از طرف دیگر در روایات متعددی می‌خوانیم خشکیهای زمین از زیرخانه کعبه گسترده شدند، و از آن بنام دحو الارض (گسترش زمین) یاد شده است. این را نیز میدانیم که در آغاز بر اثر بارانهای سیلابی تمام کره زمین از آب پوشیده بود، آبها تدریجاً فرو نشستند و در نقاط پست زمین قرار گرفتند و خشکیها تدریجاً از زیر آب، سر بر آوردند، طبق روایات اسلامی نخستین نقطه‌های که از زیر آب سر بر آورد، سرزمین مکه بود.

و اگر ارتفاع این سرزمین در حال حاضر بلندترین ارتفاع زمینهای دنیاست هیچگونه منافاتی با این سخن ندارد، زیرا از آن روز صدها میلیون سال می‌گذرد و تاکنون وضع نقاط روی زمین به کلی دگرگون شده، بعضی از کوهها در اعماق اقیانوسها قرار گرفته و بعضی از اعماق اقیانوسها تبدیل به قله کوه شده



---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۶

از مسلمات علم زمین شناسی و جغرافیای طبیعی است.  
۲ - کلمه ام همانطور که سابق نیز گفتیم به معنی اصل و اساس و ابتداء و آغاز هر چیزی است.

با توجه به آنچه گفته شد روشن می شود که اگر به مکه ام القری می گویند به خاطر این است که اصل و آغاز پیدایش تمام خشکی های روی زمین است و بنابراین و من حولها (کسانی که پیرامون آن هستند) تمام مردم روی زمین را شامل می شود.

آیات گذشته پیرامون جهانی بودن اسلام نیز این تفسیر را تایید میکنند، همچنین نامه های فراوانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای زمامداران بزرگ دنیا مانند کسری و قیصر نوشت و شرح آن در جلد دوم تفسیر نمونه صفحه ۴۵۲ گذشت گواه دیگری بر این موضوع میباشد.

۲ - ارتباط ایمان به قرآن و ایمان به آخرت

در آیه فوق می خوانیم: کسانی که ایمان به آخرت دارند، به قرآن ایمان می آورند، یعنی میدانند این جهان مقدمه ای است برای جهان دیگر، و همانند مزرعه و یا دانشگاه و یا تجارتخانه است، و در هر حال بدون یک سلسله قوانین و برنامه ها و آئین نامه و فرستادن انبیا رسیدن به آن هدف عالی و آماده شدن برای آن روز ممکن نیست.

و به تعبیر دیگر با اینکه خداوند انسان را برای تکامل در این جهان فرستاده و منزلگاه اصلی او جهان دیگر است، اگر پیامبران و کتب آسمانی برای او نفرستد نقض غرض کرده است و به این ترتیب از ایمان به خدا و معاد، ایمان به نبوت انبیا و کتب آسمانی نتیجه گرفته می شود. (دقت کنید)

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۷

۳ - اهمیت نماز

در آیه فوق از میان تمام دستورات دینی تنها اشاره به نماز شده است و همانطور که میدانیم نماز مظهر پیوند با خدا و ارتباط با او است و به همین دلیل از همه عبادات برتر و بالاتر است، و به عقیده بعضی هنگام نزول این آیات تنها فریضه اسلامی همین نماز بود.



و من اءظلم ممن افترى على الله كذبا ءو قال ءو حى الى و لم يوح اليه شىء و من قال سانزل مثل ما ءنزل الله و لو ترى اذ الظلمون فى غمرت الموت و الملائكة باسطوا ءيديهم اءخرجوا ءنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحق و كنتم عن ءايته تستكبرون

ترجمه :

۹۳ - چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد یا بگوید وحی بمن فرستاده شده در حالی که وحی به او نشده باشد، و کسی که بگوید من هم همانند آنچه خدا نازل کرده نازل میکنم، و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شدايد مرگ فرو رفته اند و فرشتگان دستها را گشوده به آنان می گویند جان خود را خارج سازید امروز مجازات خوار کنندهای در برابر دروغهائی که به خدا بستید و در برابر آیات اوتکبر ورزیدید، خواهید دید، (در آن روز به حال آنها تاسف خواهی خورد

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۸

### شان نزول:

در شان نزول این آیه روایات متعددی در منابع حدیث و کتب تفسیر نقل شده از جمله اینکه آیه در مورد شخصی به نام عبد الله بن سعد که از کاتبان وحی بود و سپس خیانت کرد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) او را طرد نمود و پس از آن ادعا کرد که من میتوانم همانند آیات قرآن بیاورم نازل گردیده، جمعی از مفسران نیز گفته اند که آیه یا قسمتی از آن در باره مسیلمه کذاب که از مدعیان دروغین نبوت بود نازل گردیده است، ولی با توجه به اینکه داستان مسیلمه در اواخر عمر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، و این سوره از سوره های مکی است طرفداران این شان نزول معتقدند که این آیه همانند چند آیه دیگر از این سوره در مدینه نازل شده است و به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در لابلاى آیات این سوره قرار داده شده است. و در هر حال آیه همانند سایر آیات قرآن که در شرائط خاصی نازل شده مضمون و محتوای آن کلی و عمومی است و همه مدعیان نبوت و مانند آنها را شامل می شود.

تفسیر:

به دنبال آیات گذشته که اشاره به گفتار یهود در باره نفی نزول کتاب آسمانی بر هیچکس نموده بود، در این آیه سخن از گناهکاران دیگری است که در نقطه مقابل آنها قرار دارند و ادعای نزول وحی آسمانی بر خود می کنند، در حالی که دروغ میگویند.

و در حقیقت به سه دسته از اینگونه افراد در آیه مورد بحث اشاره شده است. نخست می گوید: چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا دروغ می بندند و آیهای را تحریف و سخنی از سخنان خدا را تغییر میدهند (ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۴۹

دسته دوم آنها که ادعای نبوت و وحی میکنند در حالی که نه پیامبرند و نه وحی بر آنها نازل شده است. (او قال اوحی الی و لم یوح الیه شیء). دسته سوم آنها که به عنوان انکار نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) یا از روی استهزاء می گویند ما هم می توانیم همانند این آیات نازل کنیم در حالی که دروغ می گویند و کمترین قدرتی بر این کار ندارند (و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله).

آری همه اینها ستمگرند و کسی ستمکارتر از آنها نیست زیرا راه حق را به روی بسندگان خدا می بندند و آنها را در بیراهه سرگردان می سازند و بارهبری رهبران راستین مبارزه میکنند، هم خود گمراهند و هم دیگران را به گمراهی میکشانند، چه ظلمی از این بالاتر که افرادی که صلاحیت رهبری ندارند ادعای رهبری کنند آن هم رهبری الهی و آسمانی. گرچه آیه مربوط به مدعیان نبوت و وحی است ولی روح آن همه کسانی را که به دروغ ادعای مقامی را میکنند که شایسته آن نیستند شامل می شود. سپس مجازات دردناک این گونه افراد را چنین بیان میکند: اگر تو ای پیامبر! این ستمکاران را به هنگامی که در شدائد مرگ و جان دادن فرو رفته اند مشاهده کنی، در حالی که فرشتگان قبض ارواح دست گشوده اند به آنها می گویند جان خود را خارج سازید، خواهی دید که وضع آنها بسیار دردناک و اسفبار است (و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملائكة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم).

در این حال فرشتگان عذاب به آنها میگویند: امروز گرفتار مجازات خوار کننده ای خواهید شد به خاطر دو کار: نخست اینکه بر خدا دروغ بستید و دیگر

در برابر آیات او سر تسلیم فرود نیاوردید (الیوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون علی الله غیر الحق و كنتم عن آیاته تستكبرون).

### نکته‌ها

در اینجا به چند نکته باید توجه داشت.

- ۱ - مدعیان دروغین نبوت و رهبران قلابی همانطور که می‌بینیم به‌عنوان بد ظالمان در آیه معرفی شده‌اند و در حقیقت ظلمی بالاتر از این نیست که فکر کسی را بدزدند و عقیده او را تخریب کنند و راه سعادت را بر او ببندند و او را مستعمره فکری خود سازند.
- ۲ - جمله باسطوا ایدیهم ممکن است به این معنی باشد که فرشتگان قبض ارواح با گشودن دست‌ها آماده قبض روح آنها می‌شوند و ممکن است به معنی دست گشودن برای شروع مجازات آنها بوده باشد.
- ۳ - اخرجوا انفسکم: جان و روح خود را خارج سازید در حقیقت یک‌نوع تحقیر از ناحیه فرشتگان قبض ارواح نسبت به اینگونه ظالمان است و اگر نه دادن روح و جان کار خود ظالمان نیست بلکه کار آن فرشتگان است، همانند اینکه هنگام اعدام یک قاتل جانی به او می‌گویند اکنون بمیر! و در هر صورت این تحقیر گویا در برابر تحقیری است که نسبت به آیات خدا و پیامبران و بندگان خدا کرده‌اند، ضمناً این آیه گواه دیگری بر استقلال روح و جدائی آن از جسم است. ضمناً از این آیه استفاده می‌شود که مجازات اینگونه از گناهکاران از همان لحظه جان دادن و مرگ آغاز می‌گردد.

### آیه ۹۴

### آیه و ترجمه

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم اول مرة و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم و ما نری معکم شفعاء کم الذین زعمتم انهم فیکم شرکوا لقد تقطع بینکم و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

ترجمه:

۹۴ - همه شما به صورت تنها به سوی ما بازگشت نمودید همانگونه که روز

اول شما را آفریدیم، و آنچه را به شما بخشیده بودیم پشت سر گذارید، و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم، پیوندهای شما بریده شد و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور میکردید از شما دور و گم شدند.

### شان نزول:

در تفسیر مجمع البیان و تفسیر طبری و تفسیر آلوسی چنین نقل شده که یکی از مشرکان به نام نصر بن حارث گفت: لات و عزی (دو بت بزرگ و معروف عرب) در قیامت از من شفاعت خواهند کرد، آیه فوق نازل شد و به او و امثال او پاسخ گفت.

### تفسیر:

#### گمشده‌ها

در آیه گذشته به قسمتی از حالات ظالمان در آستانه مرگ اشاره شد در این آیه گفتاری را که خداوند به هنگام مرگ یا به هنگام ورود در صحنه قیامت به آنها میگوید، منعکس شده است. در آغاز می‌فرماید: امروز همه به صورت تنها، همانگونه که روز اول شما را

---

### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۵۲

آفریدیم، به سوی ما بازگشت نمودید (و لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة).

و اموالی که بشما بخشیده بودیم و تکیه‌گاه شما در زندگی بود، همه را پشت سر گذارید و با دست خالی آمدید (و ترکتم ما خولناکم وراء ظهورکم). همچنین بت‌هایی که آنها را شفیع خود می‌پنداشتید، و شریک در تعیین سرنوشت خود تصور میکردید هیچکدام را با شما نمی‌بینیم (و ما نری معکم شفعاؤکم الذین زعمتم انهم فیکم شرکاء). در حقیقت جمع شما به پراکندگی گرائید و تمام پیوندها از شما بریده شد (لقد تقطع بینکم).

تمام پندارها و تکیه‌گاه‌هایی که فکر میکردید نابود گشتند و گم شدند (و ضل عنکم ما کنتم تزعمون).

مشرکان و بت پرستان عرب روی سه چیز تکیه داشتند: قبیله و عشیره‌ای که به آن وابسته بودند، و اموال و ثروت‌هایی که برای خود گرد آورده بودند، و بت‌هایی که آنها را شریک خدا در تعیین سرنوشت انسان و شفیع در پیشگاه او

می‌پنداشتند، در هر یک از سه جمله آیه، به یکی از این سه موضوع اشاره شده که چگونه به هنگام مرگ، همه آنها با انسان وداع می‌گویند، و او را تک و تنها به خود وا می‌گذارند.

در اینجا باید به دو نکته توجه داشت:

۱- از قرار گرفتن این آیه به دنبال آیه قبل که گفتگوی فرشتگان قبض

---

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۳۵۳

ارواح را به هنگام مرگ بیان میکرد و همچنین با توجه به جمله اموال خود را پشت سر گذاشتید چنین استفاده می‌شود که این خطاب نیز به هنگام مرگ به آنها گفته میشود، ولی از طرف خداوند، اما از بعضی روایات استفاده می‌شود که این خطاب به هنگام ورود در صحنه رستخیز خواهد بود و البته در هدف اصلی آیه چندان تفاوتی نخواهد داشت.

۲- این آیه گرچه در باره مشرکان عرب نازل شده ولی مسلماً اختصاص به آنها نخواهد داشت.

در آن روز بطور کلی تمام پیوندها و علائق مادی و همه معبودهای خیالی و ساختگی و تمام تکیه گاههایی که انسان در این جهان برای خود ساخته و آنها را یار و یاور روز بدبختی خود می‌پندارد، از او جدا میشوند، او میماند و اعمالش، او میماند و خدایش، و بقیه از میان خواهند رفت، و به تعبیر قرآن گم می‌شوند، یعنی آنچنان حقیر و پست و ناشناس خواهند بود که به چشم نمی‌آیند!

← بعد

↑ فترت

→ قبل